

دبۀ جدید آمریکا



زهرا طهری خبرنگار گروه سیاست

ایران دنبال مذاکره عاقلانه است اما آمریکایی‌ها مذاکره را به چشم می‌زی برای گرفتن امتیازات بیشتر البته با زبان دیپلماتیک نگاه می‌کنند. در شرایطی که در فضای سیاسی داخل کشور از طرفی برخی جریان‌ها، مدام به این موضوع تأکید می‌شود که ایران باید برای جلوگیری از شروع جنگی تازه مذاکره و توافق با آمریکا را در دستور کار قرار دهد، حتی به قیمت تعلیق برنامه هسته‌ای ایران. روز گذشته دبیر شورای عالی امنیت ملی در پیامی توییتی نوشت راه مذاکره با آمریکا بسته نیست اما آمریکایی‌ها مسیر مذاکره را مسدود می‌کنند. لاریجانی اشاره کرد آمریکایی‌ها با طرح موضوعاتی مثل محدودیت‌های موشکی، دنبال گرفتن امتیاز در مذاکره هستند، این خواسته‌های زیاده‌خواهانه که روشن است، ایران زیر بار آن‌ها نخواهد رفت. علاوه بر آنکه نشان می‌دهد آمریکایی‌ها میز مذاکره را نه محملی برای دیپلماسی و گفت‌وگو ی دوجانبه که فضایی برای گرفتن امتیازات بیشتر می‌انند و در واقع بیش از رعایت اصول دیپلماسی، دنبال معامله‌ای برد – باخت، به نفع خودشان در میز مذاکره هستند.

ما به دنبال مذاکره بودیم

ایران در دیپلماسی را باز گذاشته بود و در حال تدارک دور تازه مذاکرات در خردادماه بود که صهیونیست‌ها به آسمان ایران تجاوز کردند و پس از آن آمریکایی‌ها هم مستقیماً وارد این تجاوز آشکار شدند و تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار دادند. آمریکایی‌ها خودشان میز مذاکره را سوزاندهند و راه دیپلماسی را تنگ کردند اما بعد از آنکه صهیونیست‌ها مجبور به پذیرش آتش بس شدند، آمریکایی‌ها با زهم تأکید کردند ایران باید پای میز مذاکره بنشیند، ارو پایایی‌ها هم با تهدید ماشه به دنبال کشاندن ایران پای میز مذاکره بودند. اما واقعیت این بود که دیپلماسی به کار گرفته شد تا جنگی آغاز نشود و حالا که این تجاوز انجام شده بود و آمریکا هم تهدیدش را عملی کرده بود، شرایط متفاوت شده است. حالا نمی‌توان با اعتماد از مذاکره و به نتیجه رسیدن آن صحبت کرد، اگر پیش از شرو و تجاوز، مذاکرات در سایه بی‌اعتمادی پیش می‌رفت، بعد از مذاکره، بی‌اعتمادی جزو جداناپذیر میز مذاکره با آمریکایی‌ها است. با این وجود

اما ایران بعد از توقف جنگ ۱۲ روزه اعلام کرد هیچ زمان دیپلماسی را رها نمی‌کند. ایران اولین دور مذاکراتی با اروپایی‌ها در مورد فعال‌سازی ماشه را بعد از جنگ، در ترکیه و البته در سطح معاون وزرا ادامه داد. اما در مورد مذاکره با آمریکایی‌ها مدام به این گزاره تأکید می‌شد ایران یا بر با پیش شرط پای میز مذاکره خواهد آمد. سیدعباس عراقچی در مصاحبه با فایننشال تایمز در مورد اینکه آیا مذاکراتی با آمریکایی‌ها شروع خواهد شد یا نه گفت: «ایران دیگر حاضر به ادامه روند فعلی مذاکرات نیست؛ چراکه آمریکا در حال مذاکره با ایران بود که به دیپلماسی پشت کرد و وارد جنگ شد. آنان باید توضیح دهند که چرا در میانه مذاکرات به ما حمله کردند و باید تضمین دهند که در آینده این کار را تکرار نخواهند کرد.» و در ادامه هم گفت: «راه مذاکره باریک است اما غیر ممکن نیست.» اما مهم دستگاه‌وزارت خارج هم دیگر مقامات مسئول ایران به این موضوع تأکید کردند ایران این بار با پیش شرط، پای میز مذاکره خواهد آمد شرط اول آنکه آمریکا باید به این سؤال پاسخ دهد که چرا به ایران حمله کرده و علاوه بر آن تضمین دهد که این بار در حین مذاکرات به ایران حمله نخواهد کرد.

انتکابه دیپلماسی برای تهدیدزدایی از ایران

تأکید ایران بر پایبندی به دیپلماسی حتی در شرایط توقف جنگ از چند جنبه اهمیت دارد. آمریکا با وجود تجاوز و حمله به ایران، همواره تلاش دارد تا ایران را به عنوان تهدیدی برای منطقه معرفی کند. تأکید ایران بر اینکه به دنبال حل و فصل چالش‌ها از مسیر دیپلماتیک است این پیام روشن را به جهان منتقل می‌کند که ایران تنها خواهان جنگ نیست، بلکه به دنبال مدیریت بحران‌ها از مسیر مذاکره نیز است. علاوه بر آن در داخل کشور طیف سیاسی خاص، معتقدند ایران باید مانع از شروع جنگ شود. جلوگیری از شروع جنگ تنها با دیپلماسی ممکن است، چراچ‌سبز ایران برای اجرای دیپلماسی البته با حفظ عزت نیز برای آن بخش از افکار عمومی که تصور می‌کنند باید از مذاکره استفاده کنند، این موضوع را روشن می‌کند که ایران علی‌رغم آنکه تجاوز را پاسخ می‌دهد اما به استقبال جنگ نمی‌رود و به دنبال آن است که تا جای ممکن از ابزار صلح‌آمیز برای مدیریت تنش‌ها استفاده کند. البته ایران درعین حال که اشاره کرد راه مذاکره را بسته تلاش کرد در اظهارات رسانه‌ای نیز به گونه‌ای موضع بگیرد که طرف مذاکره کننده تصور کند نمی‌تواند از موضع ضعف با ایران رفتار کند. تأکید ایران به این موضوع که این بار با پیش شرط پای میز مذاکره خواهد نشست و تا آمریکایی‌ها

الهام عابدینی از دلیل حرکت ناوگان دریایی صمود به سوی غزه می‌گوید

نمادی برای اعتراض به محاصرهٔ غزه

کدام نهایتاً به غزه نرسیدند. همه آن‌ها هم حالا دست‌کم به شکل نمادین، مقداری کمک‌های بشر دوستانه که همراهشان دارند. هر چند که اصلاً مقارشر کافی نیست برای اینکه بشود اسم آن را کمک بشردوستانه گذاشت و مثلاً روی زندگی مردم غزه تأثیر خاصی بگذارد، ولی به هر حال کاری است که انجام می‌دهند و بیشتر آن شکل نمادین کار است برای اینکه بگویند که محاصره غزه باید شکسته بشود. این اتفاق چند سال است که رخ داده.

حمله، اعمال فشار، بازداشت

در مواردی رژیم صهیونیستی به کشتی حمله کرده و در مواردی از یک هم فاصله‌ای آن‌ها را دور کرده و تهدید کرده که مثلاً اگر جلوتر بیایید، حمله می‌کنیم... در آخرین نمونه‌ای که حدوداً دو ماه قبل کشتی مادلین رفته بود، تعدادی از فعالان حقوق بشر هم در آن حضور داشتند و هفت چهره مهم و سرشناس در آن بودند؛ مثل همین گرتا توبرگ یا تیاگوا ویلا، که این‌ها را رژیم بازداشت کرد و البته نهایتاً آزاد شدند. نکته‌ای که خیلی مهم است، این است که اغلب این افراد از کشورهای غربی‌اند و چون تبعه کشورهای غربی هستند مثلاً مثل کانادا یا سوئد... خیلی نمی‌خواهند وارد تنش‌های دیپلماتیک با این کشور‌ها بشوند.

در این مورد اتفاقی که اتفاق افتاد، چند ائتلاف بین‌المللی حامی فلسطین باهمدیگر درواقع همکاری دارند انجام می‌دهندو حدوداً ۵۰۰قایق کشتی دارند حرکت می‌کنند، در قالب یک ناوگان دریایی که بزرگترین ناوگان دریایی غیرنظامی است که تاکنون

تضمین ندهند، پای میز مذاکره نخواهد نشست، نشان می‌داد ایران تلاش دارد در دیپلماسی را باز بگذارد و آن را کاملاً بسته اما قرار هم نیست که در میز مذاکره باب میل آمریکایی‌ها رفتار کند و هر امتیازی که می‌خواهند به آن‌ها بدهد.

می‌زی برای امتیازگیری

با وجود حسن نیت ایران اما آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها میز مذاکره را به چشم می‌زی برای امتیازگیری می‌بینند. اروپایی‌ها در جریان مذاکرات برای فعال‌سازی ماشه، آن‌هم تنها برای تعویق احتمالی ماشه سه شرط را روی میز گذاشته بودند، از جمله آنکه بازرسان به ایران برگردند، ایران مذاکره مستقیم را بدون پیش شرط با آمریکا را بپذیرد و ایران بگوید ذخایر اورانیوم کجا پنهان شده است. این خواسته‌های زیاده‌خواهانه تنها در ازای تعویق ماشه-نه حتی لغو دائمی فعال‌سازی تحریم‌ها- مطرح شده بود. اروپایی‌ها همچنان سعی کردند با جماق ماشه از ایران پای میز مذاکره امتیاز بگیرند اما ایران با وجود آنکه گفت‌وگو‌ها را ادامه داد به این موضوع تأکید کرد که اروپایی‌ها به‌خاطر حمایت از تجاوز به تأسیسات هسته‌ای ایران و عدم محکومیت این اقدام، صلاحیت حقوقی صحبت در مورد اسنپ بک را ندارند. آمریکایی‌ها هم در حالی از مذاکره صحبت می‌کنند که مدام تأکید می‌کنند تأسیسات هسته‌ای ایران را نابود کردند این ادعا این گمانه را تقویت می‌کند که اگر انگیزه‌ای برای مذاکره نیز در میان باشد گفت‌وگویی از موضع ضعف خواهد بود. مجموع این مواضع اثبات می‌کند که این اروپا و آمریکا هستند که علاقه‌ای به مذاکره ندارند و خواسته‌هایی که مطرح می‌کنند بسیار دور از استانداردهای مذاکره است و گویی اساساً برای محقق‌نشدن مطرح شده‌است. درحالی‌که ایران خواهان مذاکره از موضع برابر است، اروپا و آمریکا به دنبال آن هستند که از موضع ضعف و برای گرفتن امتیازات زیاده‌خواهانه مذاکره کنند در غیر این صورت مذاکره برای آن‌ها معنایی ندارد.

حالا موشکی را تعطیل کنید

در میان گمانه‌زنی‌هایی که از مذاکره یا عدم مذاکره با آمریکا مطرح می‌شود، سه‌شنبه علی‌لاریجانی در پیامی در ایکس صراحتاً اعلام کرد آمریکایی‌ها علاقه‌ای به مذاکره ندارند. دبیر شورای عالی امنیت ملی در بخشی از پیامش نوشت: «راه مذاکره با آمریکا بسته نیست، این آمریکایی‌ها هستند که فقط از مذاکره حرف می‌زند اما پای میز

چرامی‌گوییم مذاکره برای ترامپ فقط یک نمایش است؟ آنها شروطی را مطرح می‌کنند که در عمل به معنای ازبین‌رفتن توان دفاعی کشور است

مذاکره نمی‌آیند و به‌غلط ادعا می‌کنند جمهوری اسلامی، مذاکره نمی‌کند.» مطرح کردن پیش شرط‌هایی مثل محدود کردن برد موشک‌های ایران تا ۵۰۰ کیلومتر و قطع ارتباط با محور مقاومت و عدم حمایت از حزب‌الله لبنان و حشدالشعبی عراق، طبیعتاً خواسته‌هایی نیستند که ایران آن‌ها را بپذیرد. این خواسته‌ها در شرایطی مطرح می‌شوند که تأسیسات هسته‌ای ایران مورد حمله مستقیم آمریکایی‌ها قرار گرفته‌است و هیچ تضمینی هم برای عدم تجاوز مجدد به ایران وجود ندارد. این خواسته‌ها عملاً مسیر مذاکره را مسدود می‌کنند و گویی شروطی است برای محقق‌نشدن. پذیرش این خواسته‌ها بعد از تجاوز آمریکا به تعبیر خودشان نابودی برنامه هسته‌ای به این معنی است که ایران با دو دست خود، خواسته آمریکا برای تضعیف ایران این بار در حوزه دفاعی را بپذیرد. روشن است ایران زیر بار پذیرش این تهدید نخواهد رفت اما بیان این شروط چند نکته اساسی را روشن کرد:
❖ امکان مذاکره با آمریکا از موضع برابر با حفظ عزت و مصلحت تقریباً ممکن نیست؛ چرا که آمریکایی‌ها ایران را ضعیف‌شده‌می‌بینند و تنها به دنبال گرفتن امتیازات بیشتر از ایران هستند.
❖ اثبات عدم تمایل آمریکا برای مذاکره این گزاره را اثبات کرد این ایران نیست که زیر میز مذاکره زده و به آن بی‌اعتناست، بلکه همچنان آمریکایی‌ها هستند که به‌خاطر عدم تحقق خواسته‌های زیاده‌خواهانشان زیر میز مذاکره می‌زنند.

سید سیاست خارجی، معطل مذاکره نیست

ایران البته پیش از این نیز بر آورد دقیقی داشت که مذاکره با آمریکا و اروپا نتایج چندان روشنی ندارد، در همین منظور سید سیاست خارجی را متوجه چید و به سمت شرق حرکت کرده‌و س‌وی تقویت ارتباط با کشورهایی مثل روسیه و چین-که چالش‌هایی با اروپا و آمریکا دارند- حرکت کرد. بعد از آنکه او با آخرین ابزار تهدیدی را که در اختیار داشت علیه ایران فعال کرد، وزارت خارج‌ه ایران، روسیه و چین نامه‌ای مشترک در تیانجین و در حاشیه اجلاس شانگهای امضا کردند که در بخشی از آن آمریکا و اروپا به‌دعهلدی محکوم شده بود و علاوه بر آن تأکید شده بود او با فاد حق‌صلاحت قانونی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه است. علاوه بر آن روسیه در موعد مقرر یک‌ماهه نیز پیش‌نویسی برای جلوگیری از فعال‌سازی ماشه آماده کرده است. امضای این نامه و آماده کردن پیش‌نویس اثبات می‌کند که ایران از متحندان قدرتمند برای مقابل تهدید اروپا استفاده خواهد کرد تا مانعی در مقابل خواسته‌های زیاده‌خواهانه‌ات‌ها تعریف‌کند.

سید سیاست خارجی، معطل مذاکره نیست

فره‌نهیتمان

رصد می‌کند حرکت کشتی‌ی ها را و کاملاً نظارت دارد روی اینکه چه اتفاقی دارد می افتد. این روایتی است که بسیاری دیگر دارند می‌گویند که با پهباده‌ها و با انواع ابزارهای جاسوسی و این‌ها رژیم با دقت دارد رصد می‌کند که حرکت به چه صورت است.

اهمیت نگاه متفاوت به اسرائیل

به طور کلی امید خیلی زیادی طبیعتاً وجود ندارد برای اینکه این کشتی‌ها بتوانند به خاک غزه برسند. آن اتفاقی که دارد می‌افتد و اهمیت دارد، نگاه متفاوتی است که حالا افکار عمومی نسبت به رژیم صهیونیستی دارد؛ رژیم صهیونیستی که میلیاردها دلار سالانه هزینه می‌کند برای قدرت نرم خودش، برای دیپلماسی عمومی خودش، برای بهبود وجهه خودش در جامعه جهانی، حالا به بدترین وضع خودش رسیده‌و در افکار عمومی بسیار منظور شده و هر بار داریم می‌بینیم که تعداد این داوطلبانی که حاضر می‌شوند سوار این کشتی‌ها بشوند و به سمت غزه بروند، بیشتر هم می‌شود. با اینکه هیچ چیزی از رژیم صهیونیستی بعد نیست و من با برخی از این کسانی که در کشتی حضور دارند صحبت می‌کردم، این طوری بودند که خیلی محتمل می‌دیدند که به حتی رژیم به آن‌ها حمله کند و همه آن‌ها را به شهادت برساند. این چیزی است که دیگر هیچ‌کس از رژیم هیچ چیزی را بعد نمی‌داند و فکر می‌کنم از این جنبه اهمیت موضوع خیلی زیاد باشد.

مردم‌شناسی آینده؛ مروری بر پروژهٔ فکری دکتر مرتضی فرهادی

و «فراموشی فرهنگی» را هشدار دهد. پروژه او یک «مأموریت» شخصی و اخلاقی است؛ مأموریتی برای نجات بخشی از حافظه تاریخی بشریت که در حال نابودی است.

فرهادی را نمی‌توان صرفاً یک مردم‌شناس گذشته‌نگر دانست. او یک آینده‌ساز است. او به میان روستاییان و مشاییر نمی‌رود تا صرفاً موزه‌ای از آداب و رسوم تهیه کند. او به دنبال «خمیرمایه» است. او در نهادهای خودجوشی مانند «واره» و «بنه»، تنها یک شیوه معیشت کهن نمی‌بیند، بلکه الگویی زنده و کارآمد برای «مدیریت مشارکتی»، «اقتصاد غیرسرمی مبتنی بر اعتماد» و «توسعه پایدار» می‌یابد.

برای او، «کارآوا»ها تنها مولودی‌هایی دلنشین نیستند، بلکه تکنیک‌هایی روان‌شناختی برای هماهنگی، انگیزش و تبدیل کار طاقت‌فرسا به اثری هنری و جمعی هستند. این‌ها همه، مصالحی هستند که فرهادی گرد می‌آورد تا «شهر ایرانی» آینده را بسازد؛ شهری که نه روبررداری بی‌روح شهرهای غربی، بلکه برآمده از روح جمعی، قناعت، صرفه‌جویی، مشارکت و هم‌حسی ایرانی است.

مرتضی فرهادی، در تتهایی راه پیموده‌شده خود، پیامی امیدبخش دارد: آینده ایران، لزوماً در گروی پیروی کورکورانه از الگوهای وارداتی نیست. آینده را می‌توان از دل همین حال و گذشته استخراج کرد، مشروط بر آنکه جرئت نگاه کردن به زیر پا را داشته باشیم. او به ما می‌آموزد که توسعه حقیقی، زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند دانش رسمی و جهانی را با دانش بومی و محلی خود تلفیق کند؛ دانشی که «زمان آژموده»، «بوم‌زاد» و «کارآمد» است. در روز مردم‌شناسی، باید به راه تهنه‌سای او نظر انداخت. راهی که فراتر از هوش و ذوق، به «صبوری دهقانی» نیاز دارد. راهی که پایان آن، نه بازگشت به کهنگی، بلکه رسیدن به آینده‌ای است که از جنس خود ماست. فرهادی بیش از آنکه مردم‌شناس گذشته‌باشد، مردم‌شناس آینده است. او نشان می‌دهد که معماری فردای ایران، نه در پشت میز‌های برنامه‌ریزان غرب‌زده که در دل واره‌ها، بنه‌ها و نغمه‌های کار جمعی مردمان این سرزمین نهفته است.